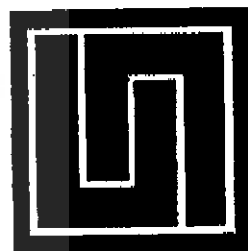


بخشها در دو برنامه

- آموزش و پرورش؛ ناکامی نسبی در مقطع ابتدایی
- برنامه اول و کارنامه طرحهای بزرگ
- لایحه برنامه دوم و بخش صنعت؛
کدام «نگاه»؟ کدام «نهایت»؟
- بخش کشاورزی
آیا گامها کوتاه تر می شود؟
- محیط زیست؛ پیموده ها و ناپیموده ها
- کارنامه آموزش عالی در برنامه اول



مدخل

دومین برنامه پنجماله توسعه، با موشکافی و دقتی به مراتب بیشتر از برنامه اول در خانه ملت، تحت بررسی است. تصویب قانونی تازه برای تدوین و بررسی دقیقتر و کارشناسانه‌تر لایحه برنامه دوم - ویژه در بخش‌ها - حاکی از توجه ویژه مجلس چهارم نسبت به این لایحه - که خود، مرنوشت پنجمال آینده کشور را رقم خواهد زد - می‌باشد. در این رهگذر، وقوف به عملکرد بخش‌ها، از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است، همچنان‌که آشنایی با دیدگاههای کارشناسانه در جهت ارتقای اهداف و سیاست‌های «بخشی» می‌تواند سودمند باشد.

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در راستای اهمیت و حساسیتی که مجلس شورای اسلامی برای برنامه دوم قائل است، از ابتدای تأسیس خود با تشکیل گروههای ویژه پژوهشی، به بررسی عملکرد برنامه اول و ارزیابی محورهای اساسی برنامه دوم پرداخت که بخشی از حاصل کار این گروهها تاکنون در قالب گزارشهای ویژه پژوهشی در اختیار نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و بخشی نیز در شماره‌های مختلف «مجلس و پژوهش» منتشر شده است.

آنچه در این بخش از شماره نهم مجلس و پژوهش می‌خوانید، گزارش کار گروههای مختلف پژوهشی مرکز پژوهشها پیرامون عملکرد چند بخش در برنامه اول با نگاهی به برنامه دوم در آن بخش‌هاست.

در گزارش‌های حاضر، ابتدا یک ارزیابی از طرحهای عمران ملی در برنامه اول ارائه شده است. به موجب این ارزیابی، کثرت روزافزون طرحهای عمرانی مانع از تخصیص بودجه کافی برای اتمام و تکمیل آنها شده و نهایتاً منجر به آن گشته که اکثر تعدادی از آنها «غیراقتصادی» تشخیص داده شود.

از دیگر موضوعات این بخش، ارزیابی عملکرد بخش آموزش و پرورش عمومی در برنامه اول و بخشهای صنعت، کشاورزی و محیط زیست در برنامه دوم است که امیدواریم مورد توجه پژوهشگران و علاقمندان واقع گردد.

مروری بر عملکرد آموزش و پرورش عمومی و پیشنادهایی برای برنامه دوم

■ آموزش و پرورش؛ ناکامی نسبی در مقطع ابتدایی

کار: گروه تحقیق
مسئول گروه: دکتر محمدرضا پاینده

اشاره

دولت در طول سالهای اجرای برنامه اول، بخش زیادی از بودجه عمومی را هسه ساله به آموزش و پرورش اختصاص داده است، چراکه طی این مدت تعداد دانش آموزان تحت پوشش آموزش و پرورش رسمی کشور در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از حدود ۱۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در سال ۶۸ به بیش از ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۷۲ افزایش یافته و لذا چنین بنظر می رسد که اهداف پیش بینی شده در برنامه اول تا حدودی تحقق یافته است. با اینهمه در بین مقاطع مختلف آموزشی، هدفهای مربوط به آموزش ابتدایی تحقق بسیار کمتری داشته است. مطلب حاضر ضمن اشاره به عوامل پرورشی بخش به برخی دیگر از عوامل که به مدیریت و امکانات وزارت آموزش و پرورش مربوط می شوند، اشاره کرده و پیشنهاداتی برای رفع ناکامیها ارائه داده است که از جمله مهمترین آنها عدم استفاده از کادر آموزش زبرد پلم در مقطع ابتدایی، حذف بودورگراسی شدید موجود در وزارت آموزش و پرورش و بویژه در روند صدور موافقت اصولی برای مدارس هیواتلفی، ارائه تسهیلات به مواظنهای اصولی تأسیس مدارس با سرعت و مطلوبیت بیشتر و... می باشد.

۱ - مقدمه

ایران کشوری است که از نظر مساحت، تنوع و تناسب اقلیمی، فراوانی منابع زیرزمینی و فراهم بودن ارز و سرمایه، لااقل در چند دهه گذشته به هیچ روی با هیچ یک از کشورها قابل مقایسه نبوده است. تنها تفاوت عمده، وجود نیروی انسانی متخصص، کارآمد، سخت‌کوش و توجه به برنامه‌های آموزشی در سیاستهای اقتصادی - اجتماعی است. به عنوان مثال (در سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷، که اوج فراوانی منابع مالی کشور بود، به استراتژی وارد کردن کامل تکنولوژی به صورت آماده بهره‌برداری (Turn key) اقدام شد، درحالی که ژاپن در شروع توسعه تکنولوژی مدرن خود به اندازه کافی نیروی انسانی با کیفیت خوب نداشت، ولی در همان شروع کار این مزیت را داشت که با جمعیتی که اکثراً با سواد بودند روبرو بود و بزودی اقدامهای خود را در زمینه آموزش در سطح عالی، شروع کرد^(۱). ژاپن با انتقال تکنولوژی، نیروی انسانی خارجی را برای مدتی طولانی به خدمت نگرفت و به شرکتهای خارجی نیز اجازه نداد که تکنولوژی مورد نیاز را به وسیله کارکنان خود پایه‌ریزی کنند بلکه برای سرعت بخشیدن به آماده‌سازی نیروی انسانی، کار خود را با استخدام مستقیم متخصصان خارجی برای دوره‌های کوتاه‌مدت و در تمام سطوح (دانشمندان، مهندسان، معلمان و تکنیسین‌ها) آغاز کرد و

در ضمن دانشجویان را برای تحصیل در رشته‌های مورد نیاز به خارج اعزام کرد. به همین خاطر، ظرف کمتر از یک دهه، توانست نیروی انسانی خود را تقریباً بطور کامل تأمین نماید. ژاپن هنوز هم این شیوه را بکسار می‌بندد و قراردادهای همکاری مشترک که با دانشگاههای معتبر دنیا دارد، از اساتید آنها در کشور خود بهترین بهره را در زمینه‌های مختلف می‌گیرد.^(۲)

در حال حاضر هسمین انسانهای سخت‌کوش و متخصص هستند که سالانه حدود ده برابر درآمد نفتی ایران مازاد خالص موازنه بازرگانی نصیب کشور خویش می‌سازند. بنابراین، اگر هدف، شتاب بخشیدن به روند رشد و توسعه باشد، می‌بایست سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (آموزش)، مورد تأکید بسیار قرار گیرد.

در میان سطوح سه‌گانه آموزش عمومی،

۱- نوری نائینی، سیدمحمدسعید، مدیریت و ارزشیابی پروژه، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی، انتشارات، تهران، ۱۳۶۵

۲- منابع موزد استفاده برای اطلاعات فوق عبارتند از:

1) Naka Mura/T., The Contribution of Forrigners in Society, Science Technology in Japan, Journal of world History, Vol. 9. No.2, 1965

2) Watawabe, M., «Scienc across The Pacific: American - inJapan, Scientific and Cultural Contacts in the Late Ninoteenth Century», Japanese in the History of Science No. 9. (1970)

3) Yuasa, M., «The Growth of Scientific Communities in Japan», Japanis Studies in The History of Science No.9 (1970).



زیادی از بازدهی عمومی (اجتماعی) آموزش متوسطه و عالی بالاتر است. با توجه به مراتب بالا، ضرورت توسعه سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، در کشور در حال توسعه ما نیز آشکار است. به همین دلیل، در طول سالهای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت همه‌ساله بخش زیادی از بودجه عمومی را به آموزش اختصاص داد. نظر به اینکه عوامل اصلی که ضرورت توسعه سرمایه‌گذاری در بخش آموزش را ایجاد می‌کردند هنوز وجود دارند، لذا در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز ضرورت دارد برنامه این بخش با دقت

متوسطه و عالی، آموزش عمومی علاوه بر اینکه مانند سایر آموزشها، به طور مؤثری در تغییر شرایط زندگی فرد آموزش دیده نقش دارد، به دلیل بالا بودن بازدهی اجتماعی آن و تاثیر تعیین‌کننده‌اش در ایجاد فرهنگ مناسب و دستیابی به اهداف توسعه‌ای، توجه صاحب‌نظران را جلب می‌کند. در جدیدترین پژوهشی که در زمینه محاسبه نرخ بازدهی آموزش توسط یکی از صاحب‌نظران اقتصاد آموزش و پرورش، «آقای جرج ساخاروپولوس» انجام گرفته، نشان داده شد که بازدهی عمومی (اجتماعی) آموزش ابتدایی در کشورهای آرژانتین، برزیل، کلمبیا، کاستاریکا، اروگوئه، ونزوئلا، السالوادور و پاراگوئه به اندازه

بازدهی عمومی آموزش به تفکیک سطوح سه‌گانه آموزش عمومی متوسطه و عالی، در چند کشور نمونه

سال	کشور	بازدهی عمومی (اجتماعی)		
		ابتدایی	متوسطه	عالی
۱۹۸۹	آرژانتین	۸/۴	۷/۱	۷/۶
	بولیوی	۹/۳	۷/۳	۱۳/۱
	برزیل	۳۵/۶	۵/۱	۲۱/۴
	شیلی	۸/۱	۱۱/۱	۱۴
	کلمبیا	۲۰	۱۱/۴	۱۴
	کاستاریکا	۱۱/۲	۱۴/۴	۹
	اروگوئه	۲۱/۶	۸/۱	۱۰/۳
۱۹۹۰	ونزوئلا	۲۳/۴	۱۰/۲	۶/۲
	السالوادور	۱۶/۴	۱۳/۳	۸
	پاراگوئه	۲۰/۳	۱۲/۷	۱۰/۸

Gorge Psacharopoulos, Returns to Investment in Education,
A Global up date, World Bank, January 1993.

منبع:

بخش مدارس و پرورش

طور متوسط، سالانه ۵/۶ درصد بوده است (جدول شماره ۱)، که این رشد در دوره زمانی مزبور، بیش از دو برابر رشد جمعیت کشور بوده است. با وجود اینکه جمعیت دانش‌آموزی به میزان زیادی افزایش یافته است، اهداف پیش‌بینی شده در حدود ۹۴/۸ درصد تحقق یافته است.

سه‌م دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی به ترتیب از ۶۶/۴، ۲۲/۶ و ۱۱ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۵۹/۶، ۲۹/۲ و ۱۴ درصد در سال ۱۳۷۲ رسیده است.

سه‌م دانش‌آموزان روستایی از ۴۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۳۶/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است (جدول شماره ۱). سه‌م دانش‌آموزان دختر از ۴۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۴۶/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است، این در حالی است که پیش‌بینی می‌شد شاخص مزبور از ۴۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۴۶ درصد در سال ۱۳۷۲ برسد (جدول شماره ۱).

جمعیت دانش‌آموزی تحت پوشش مدارس غیرانتفاعی از ۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ به ۲۳۳ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت، نظر به اینکه پیش‌بینی شده بود تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش مدارس غیرانتفاعی در سه مقطع آموزش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی به ۳۵۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یابد، بنابراین، در عمل فقط ۶۵/۱

بیشتری تدوین شود و منابع بیشتری به آن اختصاص یابد.

در گزارش فشرده حاضر قصد داریم نتایج پژوهشی گروه خود را در زمینه عملکرد بخش آموزش در برنامه اول و ارائه پیشنهادهایی در باره توسعه کمی و کیفی ارائه نماییم.

می‌دانیم که آموزش و پرورش عمومی، شامل آموزشهای عمومی و پایه علمی و نظری می‌شود که منجر به ایجاد توانایی لازم در زمینه خواندن، نوشتن، آشنایی مقدماتی با مبانی علوم و کسب اطلاعات لازم در زمینه‌های مباحث دینی و ادبیات فارسی می‌گردد. این آموزشها در قالب نظام آموزش و پرورش رسمی کشور در مدارس و مؤسسات آموزشی ارائه می‌شود و نهایتاً به اخذ مدرک تحصیلی منتهی می‌شود. با این مقدمه به ارزیابی عملکرد برنامه اول می‌پردازیم:

۲- عملکرد گذشته

۲-۱- جمعیت دانش‌آموزی: به دنبال تلاشهای بی‌وقفه‌ای که طی پنج سال گذشته صورت گرفت، تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش آموزش و پرورش رسمی کشور در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی، از ۱۳,۲۷۴,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۱۶,۵۱۴,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت. رشد جمعیت دانش‌آموزی در دوره زمانی مورد نظر، به

جدول شماره ۱۵: تعداد دانش آموزان به تفکیک وضعیت عملکرد با اهداف پیش بینی شده در برنامه ملی دوره ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲

سال تحصیلی	۶۲-۶۳		۶۱-۶۲		۶۰-۶۱		۵۹-۶۰		۵۸-۵۹		۵۷-۵۸		۵۶-۵۷		۵۵-۵۶		مکان	مقطع	
	درصد تحقق	عملکرد	برنامه	درصد تحقق	عملکرد	برنامه	درصد تحقق	عملکرد	برنامه	درصد تحقق	عملکرد	برنامه	درصد تحقق	عملکرد	برنامه				
۱۳۶۸	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
۱۳۶۹	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
۱۳۷۰	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
۱۳۷۱	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
۱۳۷۲	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
۱۳۷۳	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

باخذ از وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه ریزی توسعه، بخش آموزش و پرورش متوسطه و راهنمایی، تهران

ادامه جدول ۱- تعداد دانش آموزان بر حسب مقطع، جنس، روستاها و مقایسه عملکردها اهداف پیش بینی شده در برنامه، طی دوره ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲

موضوع	سال تحصیلی ۶۸-۶۹		سال تحصیلی ۶۹-۷۰		سال تحصیلی ۷۰-۷۱		سال تحصیلی ۷۱-۷۲		سال تحصیلی ۷۲-۷۳		عنوان	منطقه موسسه عمومی
	مشخص	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد		
موسسه	۱۰۰	۳۳۱	۱۳۰۹	۳۳۰	۱۰۹۱	۳۳۰	۱۳۰۹	۳۳۰	۱۰۹۱	۳۳۰	تعداد کارکنان آموزش	منطقه
سلاستگاه	۱۰۶	۲۰۱	۲۸۲	۲۰۲	۲۴۲	۲۰۲	۲۸۲	۲۰۲	۲۴۲	۲۰۲	تعداد دانش آموزان	منطقه
طرح سالهای ۷۳ تا ۷۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	تعداد دانش آموزان دختر	عمومی
۱۳۶۶	۳۸۳	۴۴	۱۶۵	۳۶۵	۳۱	۸۵	۳۱	۸۵	۳۱	۸۵	تعداد دانش آموزان غیر نظامی	عمومی
	-	۱۲	-	۱۲	-	۱۲	-	۱۲	-	۱۲	موسسات دانش آموزان روستایی	عمومی
	۱۰۷۸	۴۵۵	۲۵	۴۵۵	-	۴۵۵	-	۴۵۵	-	۴۵۵	از کل	عمومی
	-	۷۸	-	۷۸	-	۷۸	-	۷۸	-	۷۸	درصد دانش آموزان دختر از کل	عمومی
	۳۲۸	۱۶۵۱۲	۱۷۳۱۸	۱۶۲۴۶	۱۵۱۰۰	۱۵۱۰۰	۱۵۱۰۰	۱۵۱۰۰	۱۵۱۰۰	۱۵۱۰۰	موسسات غیر نظامی از کل	عمومی
	۸۵۲	۶۰۵۲	۶۰	۶۰۶۶	۶۰۶۶	۶۰۶۶	۶۰۶۶	۶۰۶۶	۶۰۶۶	۶۰۶۶	تعداد دانش آموزان	عمومی
	-	۷۴۴۶	-	۷۴۴۶	-	۷۴۴۶	-	۷۴۴۶	-	۷۴۴۶	تعداد دانش آموزان دختر	عمومی
	۶۵۱	۱۲۳	۲۵۸	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	تعداد دانش آموزان غیر نظامی	عمومی
	۲۲۶	-	-	۲۷۳	-	۲۷۳	-	۲۷۳	-	۲۷۳	موسسات دانش آموزان روستایی	عمومی
	۱۰۰۷	۲۴۳	۲۶	۲۵۷	-	۲۵۷	-	۲۵۷	-	۲۵۷	از کل	عمومی
	۷۴	-	-	۰۸۲	-	۰۸۲	-	۰۸۲	-	۰۸۲	درصد دانش آموزان دختر از کل	عمومی
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	موسسات غیر نظامی از کل	عمومی

تعداد دانش آموزان متوسطه در سالهای تحصیلی ۷۲-۷۳ و ۷۳-۷۴ شامل نظام جدید نیز می شود.



نفر بود، در حالی که پیش‌بینی شده بود به ترتیب ۳۰، ۳۳ و ۳۷ نفر باشد (جدول شماره ۳).

۳-۲- کادر آموزشی: تعداد معلمان شاغل در سه مقطع تحصیلی از ۴۰۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۸، با متوسط رشد سالانه ۵/۵ درصد، به ۵۰۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت.

نسبت دانش‌آموز به معلم در کل کشور از ۳۲/۸ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۳۳ نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت، شاخص فوق در مدارس روستایی از ۳۱/۸ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۳۱/۷ نفر در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت (جدول شماره ۴).

نسبت دانش‌آموزان به معلم در کل کشور در سال ۱۳۷۲ در مقاطع ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی به ترتیب ۳۴/۷، ۳۱/۲ و ۲۹/۶ نفر بود که پیش‌بینی شده بود به ترتیب ۲۹/۲، ۲۲/۵ و ۲۱ نفر باشد (جدول شماره ۴).

با اینکه تعداد معلمان به اندازه‌ای نبود که میزان شاخص مزبور را به اندازه پیش‌بینی برنامه برساند، کیفیت کادر آموزشی بشدت افزایش یافت به طوری که در مقاطع ابتدایی سهم کادر آموزشی زیردیپلم از ۵/۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۳/۹۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت و در مقابل، سهم کادر آموزشی فوق دیپلم و بالاتر، از ۱۹/۲۴ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲۴/۷۳ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت (جدول شماره ۵).

در مقطع راهنمایی تحصیلی هم سهم کادر آموزشی دیپلم و زیردیپلم از ۱۴/۱۶

درصد اهداف پیش‌بینی شده حاصل شده است. همانطور که در جدول شماره (۱) نشان داده شده، میزان تحقق اهداف مدارس غیرانتفاعی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی، به ترتیب ۷۸/۵ درصد، ۷۷ درصد و ۳۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ می‌باشد.

۲-۲- فضای آموزشی: تعداد ساختمانها و کلاسهای مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از ۵۳،۳۹۴ واحد ساختمان و ۴۲۵،۳۷۵ باب کلاس در سال ۱۳۶۸ به ۵۹،۴۳۱ واحد ساختمان و ۵۱۸،۵۴۱ باب کلاس در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت (جدول شماره ۲).

اگر فرض شود همانند سال ۱۳۷۲، ۶۲/۲ درصد اتاقها، کلاس باشند بنابراین در طول سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ - ۵۷،۷۶۳ کلاس جدید ایجاد شده است، این در حالی است که در برنامه پیش‌بینی شده بود برای سه مقطع تحصیلی ۸۸،۲۳۵ کلاس جدید احداث شود. این میزان نشان می‌دهد که فقط ۶۵/۵ درصد اهداف حاصل شده است.

شاخص تراکم دانش‌آموز در کلاس در طول برنامه، در حد ۳۱ نفر در هر کلاس ثابت ماند. این شاخص در مدارس روستایی از ۲۶ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۲۵/۵ نفر در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت. همچنین، شاخص مذکور از ۲۸ نفر در سال ۱۳۶۹ به ۱۹/۷ نفر در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت (جدول شماره ۳).

شاخص فوق برای مقاطع ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی در سال ۱۳۷۲ به ترتیب ۲۹/۳، ۳۲/۱ و ۳۷/۹

جدول شماره (۲) - تعداد ساختمانهای دولتی مربوط به مقاطع تحصیلی

مقاطع تحصیلی	نوع	سال تحصیلی	سال تحصیلی	سال تحصیلی	سال تحصیلی	سال تحصیلی	سال تحصیلی	تفاضل ستونهای ۳ و ۷
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)		
مقطع ابتدایی	ساختمان	۴۰۹۴۵	۴۱۶۸۵	۴۲۴۹۰	۴۳۰۴۰	۴۳۵۸۸	۱۶۹۳	
	اتاق	۲۷۱۴۰۵	۲۸۲۲۷۶	۲۹۱۷۹۵	۲۹۸۷۲۸	۳۰۷۷۰۶	۲۶۴۰۱	
مقطع راهنمایی	ساختمان	۹۷۱۰	۱۰۱۹۹	۱۰۷۸۶	۱۱۱۶۷	۱۲۵۲۷	۲۸۱۷	
تحصیلی	اتاق	۱۰۴۶۹۰	۱۰۹۶۳۴	۱۱۴۵۵۷	۱۲۴۳۳۳	۱۳۷۴۲۹	۳۲۷۳۹	
مقطع متوسطه	ساختمان	۲۷۳۹	۲۹۸۳	۳۲۱۸	۳۷۰۶	۴۲۱۶	۱۵۷۷	
عمومی	اتاق	۲۹۲۸۰	۵۲۹۹۱	۵۷۴۵۰	۶۲۵۰۴	۷۳۴۰۶	۲۴۱۲۶	
جمع سه مقطع	ساختمان	۵۳۳۹۴	۵۲۸۸۷	۵۶۵۹۴	۵۸۴۳۳	۵۹۴۳۱	۶۰۳۷	
	اتاق	۴۲۵۳۷۵	۴۴۴۹۰۱	۴۶۳۸۰۲	۴۸۶۵۶۵	۵۱۸۵۴۱	۹۳۱۶۶	

مأخذ: وزارت آموزش و پرورش، دفتر هماهنگی طرحها و برنامه ریزی توسعه، آمار آموزش و پرورش مربوط به سالهای گوناگون

درصد در سال ۱۳۶۸، به ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت و در مقابل، سهم کادر آموزشی لیسانس و بالاتر از ۴/۵۶ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۶/۵۲ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت (جدول شماره ۵). در مقطع متوسطه عمومی سهم کادر آموزشی فوق‌دیپلم، دیپلم و زیردیپلم از ۲۸/۴۲ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲۰/۴ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت و به همین نسبت سهم کادر آموزشی لیسانس و بالاتر افزایش یافت (جدول شماره ۵).

۴-۲- میزان قبولی: یکی از شاخصهایی که می‌تواند در محاسبه کارایی تدریس مورد استفاده قرار گیرد، میزان قبولی است. برای محاسبه میزان قبولی، ضمن در نظر گرفتن میزان قبولی مقطع تحصیلی، میزان قبولی پایه آخر هر مقطع (که امتحان آن متمرکز برگزار می‌شود) نیز در نظر گرفته شده است. میزان قبولی در مقطع ابتدایی از ۸۵/۱ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۹۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است؛ همچنین، میزان قبولی در پایه پنجم ابتدایی از ۷۹/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۸۸/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت (جدول شماره ۶). میزان قبولی در مقطع راهنمایی تحصیلی از ۷۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۸۱/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت، همچنین، میزان قبولی در پایه سوم راهنمایی تحصیلی از ۷۱/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۸۱/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است (جدول شماره ۶).

میزان قبولی در مقطع متوسطه عمومی از

۷۰ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۷۶/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت، همچنین، میزان قبولی در پایه چهارم متوسطه از ۶۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۵۸/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است (جدول شماره ۶).

با توجه به مراتب بالا باید اذعان کرد که در طول پنج سال تحصیلی گذشته، در آموزش و پرورش کشور اقدامهای زیادی صورت گرفته است، ولی هنوز:

الف) هدفهای کمی پیش‌بینی شده مربوط به کل دانش‌آموزان مقاطع سه‌گانه متحقق نشده است.

ب) هدفهای کمی مربوط به مدارس غیرانتفاعی متحقق نشده است.

ج) فضاهای آموزشی جدید متناسب با پیش‌بینی ایجاد نشده است.

د) کادر آموزشی به اندازه‌ای که امکان دستیابی به شاخص نسبت دانش‌آموز به معلم را فراهم آورد، تأمین نشده است.

ه) با وجود اینکه نسبت کادر آموزشی دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر از مدرک تحصیلی مورد نیاز، در هر سه مقطع کاهش یافت اما هنوز در هر سه مقطع این نقص وجود دارد.

و) با وجود اینکه میزان قبولی بجز در پایه چهارم، در طول سالهای برنامه افزایش یافته است، اما هنوز به میزان قابل قبولی نرسیده است. همچنین، متأسفانه میزان قبولی در پایه چهارم از ۶۲/۵ درصد به ۵۸/۶ درصد کاهش یافته است.

۳- تحلیل عملکرد گذشته

در این قسمت علل عدم تحقق هدفهای

بخش مدارس و مراکز آموزشی

جدول شماره ۳- تعداد کلاس و نسبت دانش آموز به کلاس

(به هزار کلاس)
(به نفر)

متوسط رشد سالانه عملکردی سالهای ۷۳ تا ۶۸	سال تحصیلی ۷۳-۷۲		سال تحصیلی ۷۱-۷۰		سال تحصیلی ۶۹-۷۰		سال تحصیلی ۶۸-۶۹		عنوان	مقطع	
	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه			
۳/۶	۳۳۷	۳۲۵	۳۲۶		۳۰۹		۲۹۳		تعداد کل کلاس	ابتدایی مقطع	
۱/۶۵	۱۷۳	۱۷۸	۱۷۷		۱۶۸		۱۶۳		تعداد کلاسهای مدارس روستایی		
۰	۵۰۸	۳۰۴	۱۷۳		۱۰۵		۰		تعداد کلاسهای مدارس غیرانتفاعی		
۰	۲۹۸	۲۹۸	۳۰		۳۰۳		۳۰/۱	۳۰	نسبت دانش آموز به کلاس در کل		
۰	۵۰۱	۵۰۱	۲۵۵		۲۵۶		۲۵/۹		نسبت دانش آموز به کلاس در مدارس روستایی		
۰	۱۷۶	۲۳۸	۲۶۶		۲۶				نسبت دانش آموز به کلاس در مدارس غیرانتفاعی		
۱/۰/۱	۱۲۵	۱۲۰	۱۰۰		۹۹		۹۲		تعداد کل کلاس		
۹/۸	۵۱	۲۶	۲۳		۳۹		۳۶		تعداد کلاسهای مدارس روستایی		مقطع راهنمایی تحصیلی
۰	۲	۱/۸	۰/۸		۰/۳		۰		تعداد کلاسهای مدارس غیرانتفاعی		
۰	۳۷۱	۳۳۳	۳۱۵		۳۲۷		۳۲/۶	۳۲	نسبت دانش آموز به کلاس در کل		
۰	۱۷/۲	۱۷/۳	۲۶/۶		۲۶/۶		۲۶/۹		نسبت دانش آموز به کلاس در مدارس روستایی		
۰	۲/۸	۲/۴	۲۵/۷		۳۵				نسبت دانش آموز به کلاس در مدارس غیرانتفاعی		

افزایش جدول شماره (۲)

موضوع	سال تحصیلی ۶۸-۶۹		سال تحصیلی ۷۰-۷۱		سال تحصیلی ۷۱-۷۲		سال تحصیلی ۷۲-۷۳		میانگین درسی سالانه
	برنامه	عبارت	برنامه	عبارت	برنامه	عبارت	برنامه	عبارت	
مقطع متوسطه	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۷۳
	نسبت دانش آموز به کلاس در کل	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴
موضوع عمومی	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۷۳
	نسبت دانش آموز به کلاس در روستا	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴
موضوع جمع کل	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۷۳
	نسبت دانش آموز به کلاس در مدارس غیر انتفاعی	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴
مقطع ابتدایی	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۷۳
	نسبت دانش آموز به کلاس در کل	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴
موضوع راهنمایی	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۷۳
	نسبت دانش آموز به کلاس در مدارس غیر انتفاعی	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴
موضوع متوسطه و تحصیلی	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۳۷	۳۴	۷۳
	نسبت دانش آموز به کلاس در روستا	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴

موضوع: وزارت آموزش و پرورش، دفتر هماهنگی طرحها و برنامه ریزی توسعه، اداره آموزش و پرورش مربوط به سالهای مذکور.

تاریخ: ۲۰ بهمن تقویم آمار است.



۱۳۷۰ و ۱۳۷۲ از میزان جمعیت گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله بیشتر بوده است، به طوری که جمعیت^(۳) گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲ به ترتیب ۸,۵۸۹,۰۰۰ و ۹,۱۹۶,۰۰۰ نفر و جمعیت دانش‌آموزی مقطع ابتدایی در همان سالها به ترتیب ۹,۷۸۸,۰۰۰ و ۹,۸۶۳,۰۰۰ نفر بوده است. پس نمی‌توان دلیل عدم تحقق را در عدم پوشش جستجو کرد بلکه، چون براساس نرخ رشد جمعیت دوره زمانی ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، جمعیت گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله برآورد شده است، بر همان اساس نیز جمعیت دانش‌آموزی برآورد شده است. لذا اهداف کمی مقطع ابتدایی زیادتر برآورد شده است. با واقعی شدن آمار جمعیت گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله بدیهی است که عدم تحقق هدفهای دانش‌آموزی برنامه در مقطع ابتدایی غیرمنطقی و خارج از انتظار نبوده و نمی‌توان آن را به عنوان ضعف نظام آموزشی برشمرد.

۲-۳- اهداف کمی جمعیت دانش‌آموزی مدارس غیرانتفاعی: چنانکه در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود، طی سالهای ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲ جمعیت دانش‌آموزی مدارس غیرانتفاعی با شتاب زیادی از ۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۸ به ۱۳۳ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت، ولی با این وجود، فقط ۶۵ درصد هدفهای پیش‌بینی شده

کمی مربوط به کل جمعیت دانش‌آموزی مقاطع سه‌گانه، هدفهای مدارس غیرانتفاعی و همچنین کیفیت تغییرات مربوط به میزان قبولی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳- اهداف کمی جمعیت کل دانش‌آموزی مقاطع سه‌گانه: چنانکه در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، طی سالهای ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲، به ترتیب ۹۹/۳، ۹۹/۴، ۹۹/۱، ۹۸/۵ و ۹۴/۸ درصد هدفهای پیش‌بینی شده متحقق شده است. علت عدم تحقق اهداف فوق در عدم تحقق هدفهای آموزش ابتدایی نهفته است، به طوری که میزان تحقق هدفها در مقاطع راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی به ترتیب ۹۸/۵ و ۹۹/۳ درصد در سال ۱۳۶۸ و ۱۰۶/۹ و ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۷۲ بوده است. ولی هدفهای مربوط به آموزش ابتدایی طی سالهای ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲ به ترتیب ۹۹/۵، ۱۰۰/۴، ۹۹/۴، ۹۵/۳ و ۸۹/۲ درصد بوده است. از آنجا که هدفهای مربوط به آموزش ابتدایی متحقق نشده است، با وجود اینکه هدفهای آموزش راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی در سال ۱۳۷۲ به ترتیب ۱۰۷ و ۱۰۰ درصد متحقق شده باز هم هدفهای کل با عدم تحقق مواجه بوده است.

عدم تحقق هدفهای ابتدایی به میزان برآورد جمعیت دانش‌آموزی مقطع ابتدایی مربوط می‌شود؛ چرا که جمعیت دانش‌آموزی مقطع ابتدایی در سالهای

۳- آمار جمعیت از دفتر جمعیت و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه نقل شده است.

(به هزار نفر)
دانشی

جدول شماره ۴ - تعداد معلمان و نسبت دانش آموز به معلم

موسسه/سازمان	سال تحصیلی ۷۲-۷۳	سال تحصیلی ۷۱-۷۲	سال تحصیلی ۷۰-۷۱	سال تحصیلی ۶۹-۷۰	سال تحصیلی ۶۸-۶۹	عنوان
مدرسه دولتی - سالهای ۷۳ تا ۶۸	معلمان ۷۸۴	معلمان ۱۲۱	معلمان ۱۲۷	معلمان ۱۲۶	معلمان ۱۲۵	تعداد کل معلمان
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد معلمان مدارس روستایی
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد معلمان مدارس غیر انتفاعی
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد معلمان حق التدریس
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	نسبت دانش آموز به معلم در کل
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	نسبت دانش آموز به معلم در روستا
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	نسبت دانش آموز به معلم و مدارس غیر انتفاعی
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	درصد معلمان حق التدریس از کل
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد کل معلمان
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد معلمان مدارس روستایی
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد معلمان مدارس غیر انتفاعی
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	تعداد معلمان حق التدریس
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	نسبت دانش آموز به معلم در کل
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	نسبت دانش آموز به معلم در روستا
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	نسبت دانش آموز به معلم و مدارس غیر انتفاعی
۷۳ تا ۶۸	۷۸۴	۱۲۱	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	درصد معلمان حق التدریس از کل



بخش مدارس و مراکز آموزشی

ادامه جدول شماره ۴۰

به هزار نفر
(به نفر)

موسسه/تولسانه ۷۳ تا ۶۸	سال تحصیلی ۷۲-۷۳		سال تحصیلی ۷۱-۷۲		سال تحصیلی ۷۰-۷۱		سال تحصیلی ۶۹-۷۰		سال تحصیلی ۶۸-۶۹		عنوان
	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	
۱۰۶۲	۷۸	۷۰	۶۲	۶۲	۸۷	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	تعداد کل معلمان	
۱۶۴۴	۱۱	۹	۸	۸	۷	۶	۶	۶	۶	تعداد معلمان مدارس روستایی	
		۱۶۶۴	۱۶۶۴	۱۶۶۴	۱۶۶۴	۱۶۶۴	۱۶۶۴	۱۶۶۴	۱۶۶۴	تعداد معلمان مدارس غیر انتفاعی	
	۵۳	۶۳	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	تعداد معلمان حتی التدریس	
۲۹۰۶	۲۱	۳۰	۱۸/۵	۱۸/۵	۲۷/۹	۲۸/۱	۲۸/۱	۲۸/۱	۲۸/۱	نسبت دانش آموز به معلم در کل	
۲۷۲۴		۲/۸۱	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	نسبت دانش آموز به معلم در روستا	
		۱۹	۱۰	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	نسبت دانش آموز به معلم در مدارس غیر انتفاعی	
	۶	۸/۳	۱۰	۱۰	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	درصد معلمان حتی التدریس از کل	
۵۰۵	۵۰۱	۲۷۶	۲۵۰	۲۵۰	۲۲۷	۲۰۵	۲۰۵	۲۰۵	۲۰۵	تعداد کل معلمان	
۶/۳	۱۹۱	۱۸۵	۱۱۸	۱۱۸	۱۳۳	۱۶۸	۱۶۸	۱۶۸	۱۶۸	تعداد معلمان مدارس روستایی	
		۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	۶/۹	تعداد معلمان مدارس غیر انتفاعی	
	۳۹۵	۴۸۳	۶۱	۶۱	۵۴	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	تعداد معلمان حتی التدریس	
	۳۳	۳۳/۷	۳۳/۶	۳۳/۶	۳۳/۴	۳۲/۸	۳۲/۸	۳۲/۸	۳۲/۸	نسبت دانش آموز به معلم در کل	
	۳۱/۷	۳۳/۴	۳۱	۳۱	۳۲/۱	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸	۳۱/۸	نسبت دانش آموز به معلم در روستا	
		۱۹/۵	۲۱	۲۱	۲۳/۳	۲۳/۳	۲۳/۳	۲۳/۳	۲۳/۳	نسبت دانش آموز به معلم در مدارس غیر انتفاعی	
	۷/۳	۹/۳	۱۲	۱۲	۱۱/۴	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	درصد معلمان حتی التدریس از کل	

علامت * به معنی فقدان آمار است.

* فقط شامل مدارس دولتی می شود.

مأخذ: وزارت آموزش و پرورش، دفتر احصای طرحها و برنامه ریزی توسعه، آمار آموزش و پرورش مربوط به سالهای گوناگون.

متحقق شده است. علل عدم تحقق هدفها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف - عدم تدوین و تصویب قوانین و مقررات حمایتی در زمان مناسب؛ غالب آیین‌نامه‌ها مانند تصویب واگذاری زمین از طرف سازمان زمین شهری و سازمان اوقاف و امور خیریه، تصویب واگذاری پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام با کمتر از ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی از طرف سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور به مؤسسان، در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ به تصویب رسیده است. بدیهی است اجرای آیین‌نامه‌های مزبور به زمان احتیاج دارد و همین امر سبب کند شدن روند توسعه و گسترش مدارس غیرانتفاعی می‌شود.

ب - نبود سازماندهی و تشکیلات کارا و مناسب نظارتی و پشتیبانی مدارس غیرانتفاعی در وزارت آموزش و پرورش فقدان تشکیلات کارآمد سبب آن می‌شود که فرایند کسب موافقت اصولی، صدور پروانه تأسیس و ... در زمانی طولانی صورت گیرد. به عنوان مثال، از سال ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲ در استان تهران ۵۳۲۲ مورد تقاضا برای تأسیس آمادگی و دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، دبیرستان، هنرستان و بزرگسالان وجود داشته است که از این میان فقط برای ۳۰۱۹ متقاضی (یعنی ۵۶/۷ درصد متقاضیان) مجوز تشکیل مدرسه صادر شده است.^(۴)

بدیهی است اگر روند گفته شده در سایر استانها نیز وجود داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت مدارس غیرانتفاعی باشتاب

بیشتری توسعه یابد.

ج - ناتوانی مالی مؤسسان؛ شرایط تشکیل مدارس غیرانتفاعی به گونه‌ای تنظیم شده است که مؤسس باید از فرهنگیان (دارای سابقه آموزشی و یا اشتغال در واحدهای آموزشی) باشد. لذا، نظر به اینکه تشکیل مدرسه با توان جذب دانش آموز، سرمایه زیادی را طلب می‌کند و این گروه نیز توان مالی لازم را ندارند، عملاً تأسیس مدارس غیرانتفاعی با مشکل مواجه می‌شود. در این زمینه نیز می‌توان به آمار نسبت مدارس تأسیس شده به مجوزهای صادر شده در استان تهران اشاره نمود. در استان تهران از ۳۰۱۹ مجوز صادر شده طی سالهای ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۷۲، فقط ۶۷۰ مدرسه تأسیس شده است.^(۵) یعنی فقط ۲۲/۲ درصد کسانی که موفق به اخذ موافقت اصولی شده‌اند توانسته‌اند به تأسیس مدرسه اقدام کنند.

البته در زمینه رفع مشکل فوق منابع گوناگونی مانند وام تبصره ۳ قانون بودجه کل کشور، وام شورای پول و اعتبار و ... در نظر گرفته شده است، ولی به دلیل عدم توجه مسئولان پرداخت‌کننده وامها نسبت به ضرورت توسعه این نوع مدارس و همچنین طولانی بودن فرایند اخذ وام، عملاً این منابع نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه آنها ایفا نکرده‌اند.

به عنوان مثال، از ده مؤسسه‌ای که در استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۲ برای

۴- وزارت آموزش و پرورش، معاونت امور مدارس غیرانتفاعی؛
۵- همان مأخذ.

جدول شماره ۵ - توزیع مدارج تحصیلی مصلان به تکنیک مقطع تحصیلی

(درصد)

سال تحصیلی ۷۳-۷۲	سال تحصیلی ۷۱-۷۲	سال تحصیلی ۷۰-۷۱	سال تحصیلی ۶۹-۷۰	سال تحصیلی ۶۸-۶۹	عنوان	مقطع
۳/۹۹	۴/۳۶	۴/۷۲	۵/۰۱	۵/۳	زیر دیپلم	مقطع ابتدایی
۷۱/۲۸	۷۲/۸۶	۷۲/۳۶	۷۲/۳۶	۷۵/۴۶	دیپلم	مقطع
۲۶/۸۳	۲۲/۸۸	۲۲/۸۴	۲۰/۶۳	۱۹/۳۴	فوق دیپلم و بالاتر	مقطع
۱۰/۱	۱۱/۱۵	۱۱/۵۸	۱۲/۳۵	۱۲/۱۶	دیپلم و زیر دیپلم	مقطع راهمنامی
۸۲/۳۸	۸۲/۹۲	۸۲/۵۸	۸۲/۲۹	۸۱/۲۸	فوق دیپلم	مقطع تحصیلی
۶/۵۲	۵/۹۲	۴/۸۴	۴/۳۶	۴/۵۶	لیسانس و بالاتر	مقطع متوسطه
۲۰/۴	۲۳/۹	۲۵/۶۷	۲۷/۱۱	۲۸/۴۲	فوق دیپلم، دیپلم و زیر دیپلم	عمومی
۷۹/۶	۷۶/۱	۷۷/۳۳	۷۶/۸۹	۷۱/۵۸	لیسانس و بالاتر	

مأخذ: وزارت آموزش و پرورش، دفتر مساعنگی طرحها و برنامه ریزی، آمار آموزش و پرورش مربوط به سالهای گذشته.

خذ وام تجهیزات به بانک عامل معرفی شدند هیچ یک از آنان موفق به اخذ وام نشدند^(۶)، و یا در استان کهگیلویه و بویراحمد حتی به تنها متقاضی معرفی شده به بانک جهت اخذ وام از محل تبصره ۵۲ نیز وام پرداخت نشده است^(۷). البته مشابه موارد فوق به میزان زیادی در استانها قابل مشاهده است که بدون شک در گنبد شدن روند توسعه مدارس نقش بسزایی دارد.

د) **ممنوعیت کسب سود در مدارس غیرانتفاعی:** نظر به اینکه، آموزش امری فرهنگی محسوب می شود باور عده ای بر این است که این فعالیت نباید سودآوری داشته باشد؛ غافل از اینکه وجود امکان کسب سود، سبب تشویق سرمایه گذاران علاقه مند، به تأسیس مدارس غیرانتفاعی می شود که نهایتاً سبب توسعه این مدارس خواهد شد. بدیهی است تا زمانی که شرط فوق وجود داشته باشد، متقاضیان تأسیس مدارس غیرانتفاعی را کسانی تشکیل می دهند که از داشتن منابع مالی محرومند، به همین دلیل امکان شروع فعالیت بدون کمک و حمایت مستقیم دولت وجود ندارد و در این شرایط مدارس غیرانتفاعی به گونه ای که انتظار می رود گسترش نخواهند یافت.

ه) **کنترل شهریه:** بدیهی است تقاضا برای مدارس غیرانتفاعی تابعی است از کیفیت آن مدارس، در صورتی که مدیر یا مؤسس مدرسه غیرانتفاعی نتواند امکانات مورد نیاز، اعم از فضای آموزشی مطلوب، تجهیزات کمک آموزشی مناسب و نیروی انسانی با تجربه و کارآمد را فراهم کند،

مسئلاً نخواهد توانست کیفیت را افزایش دهد. از طرف دیگر، لازمه تأمین عوامل آموزشی مناسب، وجود منابع مالی مکفی است. از آنجا که تنها منبع تأمین هزینه های مدارس غیرانتفاعی شهریه است، لذا باید امکان استفاده از اهرم شهریه در تنظیم هزینه ها و درآمدها، برای مدیر مدرسه وجود داشته باشد. متأسفانه وزارت آموزش و پرورش با کنترل شهریه ها این امکان را سلب نموده است و به همین دلیل تعداد زیادی از متقاضیان بالقوه تأسیس این نوع مدارس، از ارائه تقاضا صرف نظر کرده اند و مدارس موجود نیز برخی با مشکل مواجه شده اند.

و) **مالکیت اموال مدرسه پس از انحلال:** یکی دیگر از عواملی که سبب کاهش تقاضا برای تأسیس مدارس غیرانتفاعی می شود، وجود قوانین و مقررات مبنی بر واگذاری اموال مدارس غیرانتفاعی به دولت پس از انحلال آن مدارس است. در شرایطی که سرمایه گذاری های تولیدی اعم از صنعتی یا کشاورزی - که دارای سودآوری هستند و از تسهیلات دولتی هم استفاده می کنند - با چنین محدودیتهایی مواجه نیستند. اعمال این محدودیت برای مدارس غیرانتفاعی امری غیرمنطقی است، چرا که مؤسس مدرسه غیرانتفاعی نمی تواند مالک زحمات چندین ساله خود باشد و وقوع یک اتفاق غیرمترقبه و تعطیل شدن مدرسه، می تواند

۶- اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی
۷- اداره کل آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد

تمامی رنج و زحمات چندین ساله او را بی‌ثمر کند.

۳-۳- نامطلوب بودن میزان قبولی: یکی از شاخص‌هایی که به کمک آن می‌توان به ارزیابی عملکرد مسئولان امور آموزشی اقدام نمود، میزان یا درصد قبولی دانش‌آموزان است. چنانکه در جدول شماره (۶) نشان داده شد، بجز در پایه چهارم متوسطه عمومی، در سایر موارد درصد قبولی به میزان زیادی افزایش یافته است؛ ولی اگر درصد قبولی سالهای ۱۳۶۷ تا پایان ۱۳۷۱، هر سال به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد روشن خواهد شد که افزایش میزان قبولی به صورت عادی و طبیعی صورت نگرفته است، به عنوان مثال، میزان قبولی پایه پنجم در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ نسبت به سالهای ماقبل خود به ترتیب $0/8$ و $0/1$ درصد افزایش یافت، ولی میزان قبولی در سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰ نسبت به سال ماقبل خود $7/1$ درصد افزایش یافت و باز در سال تحصیلی ۷۲ - ۱۳۷۱، میزان افزایش درصد قبولی به $0/8$ درصد کاهش یافت. این روند تقریباً برای مقاطع راهنمایی و متوسطه نیز مشهود است با این تفاوت که در مقطع راهنمایی تحصیلی، با وجود افزایش زیاد میزان قبولی سال تحصیلی ۷۱ - ۷۰ نسبت به میزان قبولی سال تحصیلی ۷۰ - ۶۹، میزان قبولی در سال تحصیلی ۷۲ - ۷۱ نسبت به میزان قبولی سال تحصیلی ۷۱ - ۷۰ کاهش یافت.

در مقطع متوسطه نیز این امر با وضوح بیشتری خودنمایی می‌کند. بنابراین، با توجه به مراتب فوق باید یادآور شد که افزایش میزان قبولی در سال تحصیلی ۷۱ - ۷۰ امری معمولی، طبیعی و پایدار نبوده است، به همین دلیل باید به دنبال شناخت علت آن در تغییر آیین‌نامه‌ها - مثل افزایش تعداد دروس مشمول تک‌ماده، برگزاری آموزشهای جبرانی - بود که همه اینها به توانایی نهاد مسؤل ارائه آموزش مربوط نمی‌شود بلکه با سهل کردن شرایط و یا افزایش دوره زمانی و امکانات آموزشی، مازاد بر استاندارد تعریف شده، به وجود آمده است. مطلب مهم دیگری که در زمینه قبولی باید مورد اشاره قرار گیرد، میزان قبولی در پایه چهارم متوسطه عمومی است. چنانکه در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود، میزان قبولی در پایه چهارم متوسطه عمومی طی سالهای ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۱ به ترتیب $61/5$ ، 61 ، $62/5$ ، $67/8$ و $58/6$ درصد بوده است. این مقادیر بیانگر یک ضایعه فرهنگی است؛ چرا که از مجموع کسانی که در امتحان سال چهارم برای اخذ دیپلم شرکت می‌کنند، فقط حدود ۶۰ درصد موفق به اخذ گواهی قبولی می‌شوند و مابقی دوباره مهمان امکانات دولتی خواهند بود. این امر ضمن اینکه بخشی از توان اقتصاد کشور (نیروی کار) نیز بخاطر اشتغال به تحصیل و عدم حضور در صحنه اقتصاد، راکد خواهند ماند که این امر نیز ضررهای

جدول شماره ۶- میزان قبولی دانش آموزان در خرداد و شهریور

(به هزار نفر)

سال تحصیلی	میزان قبولی دانش آموزان در خرداد	میزان قبولی دانش آموزان در شهریور	میانگین
۱۳۷۱-۷۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۷۰-۷۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۹-۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۸-۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۷-۶۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۶-۶۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۵-۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۴-۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۳-۶۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۲-۶۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۱-۶۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۶۰-۶۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۹-۶۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۸-۵۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۷-۵۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۶-۵۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۵-۵۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۴-۵۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۳-۵۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۲-۵۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۱-۵۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۵۰-۵۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۹-۵۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۸-۴۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۷-۴۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۶-۴۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۵-۴۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۴-۴۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۳-۴۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۲-۴۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۱-۴۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۴۰-۴۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۹-۴۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۸-۳۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۷-۳۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۶-۳۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۵-۳۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۴-۳۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۳-۳۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۲-۳۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۱-۳۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۳۰-۳۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۹-۳۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۸-۲۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۷-۲۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۶-۲۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۵-۲۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۴-۲۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۳-۲۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۲-۲۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۱-۲۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۲۰-۲۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۹-۲۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۸-۱۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۷-۱۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۶-۱۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۵-۱۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۴-۱۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۳-۱۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۲-۱۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۱-۱۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۱۰-۱۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۹-۱۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۸-۰۹	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۷-۰۸	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۶-۰۷	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۵-۰۶	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۴-۰۵	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۳-۰۴	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۲-۰۳	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۱-۰۲	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۳۰۰-۰۱	۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰

میانگین قبولی دانش آموزان در خرداد و شهریور به تفکیک پایه و منطقه



شود تمامی کترلهای مربوط به تعیین میزان شهریه را حذف کند و تعیین شهریه را به رضایت طرفین واگذار کند.

ه- قانون تأسیس مدارس به نحوی اصلاح شود که اولاً امکان کسب سود وجود داشته باشد، ثانیاً امکان فروش امکانات مدرسه برای مؤسس آن پس از انحلال غیراختیاری به وزارت آموزش و پرورش یا سایر مؤسسان مدارس غیرانتفاعی وجود داشته باشد، ثالثاً عنوان مدرسه غیرانتفاعی به مدرسه غیردولتی تغییر کند.

و- با توجه به اینکه نتایج امتحان در پایه اول تا چهارم ابتدایی، پایه اول و دوم راهنمایی تحصیلی و همچنین پایه‌های اول، دوم و سوم متوسطه فقط در ارتقای پایه کاربرد دارد و از طرف دیگر از آنجا که ارزیابی نهایی و تعیین نمرات دروس در آن پایه به خود معلم بستگی دارد؛ لذا مقتضی است با تغییر مقررات، اولاً امتحانهای پایه‌ها حذف شود، ثانیاً امتحانهای پایه پنجم ابتدایی و پایه سوم راهنمایی و چهارم متوسطه - که در حال حاضر به صورت متمرکز برگزار می‌شود - به صورت جامع طراحی و اجرا شود. بدیهی است با اجرای این پیشنهاد، تکرار پایه در درون هر مقطع حذف خواهد شد و به دنبال آن، میزان نسبت دانش‌آموز به کلاس و میزان نسبت دانش‌آموز به معلم بهبود می‌یابد.

□□□

اقتصادی زیادی به دنبال خواهد داشت، بنابراین، ضروری است مسئولان امر راه حل مناسبی طراحی و اجرا نمایند.

۴- پیشنهادها

مطالب قسمتهای قبل بر عدم موفقیت وزارت آموزش و پرورش در دسترسی به برخی از اهداف برنامه دلالت می‌کند. برخی از کاستیها، متأثر از عامل بیرونی مانند قوانین و مقررات هستند و برخی دیگر به مدیریت و امکانات وزارت آموزش و پرورش مربوط می‌شوند. برای رفع این ناکامیها، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف - وزارت آموزش و پرورش مکلف شود سهم کادر آموزشی زیردیپلم را در مقطع ابتدایی، دیپلم و زیردیپلم را در راهنمایی تحصیلی و فوق دیپلم، دیپلم و زیردیپلم را در متوسطه تا پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به صفر برساند.

ب - وزارت آموزش و پرورش مکلف شود در سه ماهه اول هر سال، تکلیف همه متقاضیانی که تا آن تاریخ اقدام به ارائه تقاضا کرده‌اند، را روشن کند.

ج - بانکهای عامل، سازمان زمین شهری، سازمان اوقاف و امور خیریه موظف شوند با استناد به موافقت اصولی صادر شده، نسبت به ارائه تسهیلات در اسرع وقت (حداکثر تا یک ماه) اقدام نمایند.

د - وزارت آموزش و پرورش مکلف